

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

تفکیک اسرائیل از آمریکا؛ خطای محاسباتی

در شرایطی که برخی از جریان‌های خاص سیاسی در پی پررنگ کردن دوگانه آمریکا و اسرائیل بر پایه برخی اخبار تایید نشده هستند و به آن دامن می‌زنند، روز گذشته ویدیویی معنادار از سخنان شهید سلیمانی منتشر شد که به موضوع اختلافات ساختگی و نمایشی دولت تروریستی آمریکا و رژیم صهیونیستی اشاره داشت و تصریح شده بود: «آمریکا در منطقه ما خصوصاً در عالم اسلامی سیاستی را اجرا نمی‌کند مگر اینکه آن سیاست اسرائیلی است. بعضی‌ها به ظاهر تحصیل کرده اما بی‌سواد در مسائل سیاسی نوشتند که باید با ترامپ گفتگو کرد امروز مهم‌ترین مطلبی که روی میز ترامپ هست، تحقق خواسته‌های رژیم صهیونیستی است.» موضوعی که مورد توجه برخی مقامات سیاسی کشورمان قرار نگرفته است و بار دیگر خطای محاسباتی قائل شدن تفکیک میان راهبرد اسرائیل و آمریکا در قبال در ایران، در اتمسفر فکری برخی مسئولین جای گرفته است.

۲



بازنگری به وقت ریاض

عربستان سعودی پس از ضربه سهمگین انصارالله یمن به تأسیسات آرامکو در سال ۲۰۱۹ که صادرات نفت این کشور را ماه‌ها به نصف رساند، ظاهراً جاه‌طلبی‌های صدام‌گونه خود را کنار گذاشت و برای صلح با ایران دست به دامن میانجی‌ها شد. اما تجربه چند سال اخیر ثابت کرد این رژیم ساخته دست استعمار و سرسپرده، از ذات پلید خود دست نکشیده و میان برادری با کشورهای اسلامی و سرسپردگی کامل به اسرائیل، راه دوم را برگزیده است. حمله اخیر به پایگاه‌های رسمی حشد الشعبی و شهادت نیروهای ایرانی و عراقی نشان داد صلح با ریاض برای ایران دیگر هیچ دستاوردی ندارد.

۳



امام شهید برای جمهوری اسلامی ایران تولید قدرت کرد

۴

آزادی حجاز مقدمه ظهور!

۲



بازدارندگی اتمی؛ معیار شکست تل‌آویو

امیر شهشهانی
روزنامه نگار

صفحه ۴

فرهنگی

نه به اعدام همان بلند کردن پرچم سفید است

پس از اعدام دو نفر از عوامل جنایت میدان شهید علیخانی اصفهان، سلبریتی‌ها با انتشار استوری‌های هماهنگ با شعار «نه به اعدام»، در زمین دشمن بازی می‌کنند و در صدد سفیدشویی آدم‌سوزی با نقاب بشردوستی هستند.

صفحه ۲

سیاسی

تاوانی که واشنگتن هنوز نپرداخته

ترامپ و نتانیاهو همچنان در پی گزینه‌های تازه برای افزایش فشار بر ایران هستند. طرح‌هایی مانند محاصره زمینی، بیش از آنکه قابلیت اجرا داشته باشند، نشان می‌دهند آمریکا و اسرائیل هنوز هزینه تقابل با ایران را بازدارنده نمی‌دانند.

اسرائیل پس از جنگ اخیر تلاش کرد با برجسته کردن موفقیت‌های اطلاعاتی، ترورها و حملات نظامی، به دروغ تصویری از پیروزی خود ارائه دهد. اما مرور ارزیابی‌های منتشر شده در داخل محافل امنیتی این رژیم، روایت دیگری را آشکار می‌کند. دنی سیتزینوویچ، رئیس اسبق حوزه ایران در سازمان اطلاعاتی ارتش اسرائیل (آمان) و کارشناس ارشد امور ایران در اندیشکده امنیت ملی اسرائیل، ناخواسته مهم‌ترین معیار پیروزی و شکست را بیان کرده است.

متن کامل در صفحه ۳

اظهارات اخیر قالیباف و عراقچی درباره نقش مستقل ترامپ در آتش بس لبنان و فریب خوردن آمریکا توسط اسرائیل در شروع جنگ، در تعارض با بیانات شهید سلیمانی و رهبر شهید انقلاب است

تفکیک اسرائیل از آمریکا؛ خطای محاسباتی



ایران فریب داد!

رهبر شهید انقلاب: آمریکا، اسرائیل را تحریک به حمله کرد

رهبر شهید انقلاب در ۲ شهریور ۱۴۰۴ در بیاناتی هرگونه تفکیک قائل شدن میان آمریکا و اسرائیل را رد کردند و فرموده بودند: «این کسانی که میگویند «آقا! شعار ندهید علیه آمریکا، عصبانی میشوند، با شما دشمنی میکنند»، اینها ظاهر بینند. این کسانی که تحلیل میکنند که «چرا با آمریکا مذاکره‌ی مستقیم نمیکند، مسائلتان را حل نمیکند»، به نظر من ظاهر بینند. باطن قضیه این نیست؛ این مسئله حل نشدنی است. او می‌خواهد که ایران گوش به فرمان آمریکا باشد. ملت ایران از چنین اهانت بزرگی بشدت رنجیده میشود و در مقابل آن کسانی و آن کسی که چنین توقع غلطی از ملت ایران دارد، با همه‌ی قدرتی می‌ایستد. جنگ اخیر هم به خاطر همین بود.

رژیم صهیون را پیش کردند، تحریک کردند، رضایت نشان دادند، کمک کردند برای اینکه به ایران حمله کند و به خیال خودشان کار ایران را تمام کند، کار جمهوری اسلامی را تمام کند! اینها تصور نداشتند که ایران در مقابل حرکت آنها آن چنان مشتتی به آنها خواهد زد که آنها را پشیمان خواهد کرد؛ این تصور را نداشتند.

تفاهم رژیم صهیونیستی تهاجم سنگینی به لبنان داشت و به دنبال اشغال برخی نقاط مهم بود تا تفاهم با مشکل مواجه شود» وی همچنین در بخشی دیگر از سخنانش مطرح کرده بود: «زمانی که رژیم صهیونیستی ضاحیه را هدف قرار داد، ما آمریکا را تهدید کردیم و اولتیماتوم دادیم که باید خواسته‌های ما پذیرفته شود؛ در غیر این صورت واکنش نشان خواهیم داد. ترامپ ناچار شد توثیت بزند و به نتانیاهو بگوید که باید آتش را متوقف کند و دیگر حق ندارد ضاحیه را هدف قرار دهد». «شما دیدید که ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، تا ساعت ۲ بامداد برای برقراری آتش بس نه در ضاحیه بلکه در سراسر لبنان وارد عمل شد و با آن ادبیات با نتانیاهو صحبت کرد». اظهارات قالیباف که تلویحا به دوگانگی رژیم اسرائیل و آمریکا در راهبرد و هدف اشاره دارد.

همچنین عباس عراقچی وزیر امور خارجه طی گفتگویی در برنامه ماجرای جنگ با قائل شدن میان اسرائیل و آمریکا اظهار داشته بود: «همه دنیا دارد می‌گوید بازنده اصلی توافق، اسرائیل بوده، بعد ما در داخل چه چیزهایی می‌گوییم / بعضی وقت‌ها مشکوک می‌شوم که اگر اسرائیل در بعضی جاهای ما نفوذ کرد، شاید در این چیز هم نفوذ دارد» وی همچنین در سخنانی گفته بود: «اسرائیل، آمریکا را برای حمله به مردم

امیرحسین درکی

روزنامه‌نگار

در شرایطی که برخی از جریانات خاص سیاسی در پی پررنگ کردن دوگانه آمریکا و اسرائیل برپایه برخی اخبار تایید نشده هستند و به آن دامن می‌زنند، روز گذشته ویدیویی معنادار از سخنان سردار سرافراز اسلام، شهید حاج قاسم سلیمانی منتشر شد که به موضوع اختلافات ساختگی و نمایشی دولت تروریستی آمریکا و رژیم صهیونیستی اشاره داشت. و تصریح شده بود: «امریکا در منطقه ما خصوصاً در عالم اسلامی سیاستی را اجرا نمی‌کند مگر اینکه آن سیاست اسرائیلی است. بعضی‌ها به ظاهر تحصیل کرده اما بی‌سواد در مسائل سیاسی نوشتند که باید با ترامپ گفتگو کرد امروز مهم‌ترین مطلبی که روی میز ترامپ هست، تحقق خواسته‌های رژیم صهیونیستی است.» موضوعی که مورد توجه برخی مقامات سیاسی کشورمان قرار نگرفته است و بار دیگر خطای محاسباتی قائل شدن تفکیک میان راهبرد اسرائیل و آمریکا در قبال در ایران، در اتمسفر فکری برخی مسئولین جای گرفته است.

از جمله اینکه محمد باقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس هیات مذاکره کننده کشورمان اخیراً در گفتگویی با صداوسیما در اینباره اظهار داشته بود: «پس از امضای یادداشت

یادداشت

تاوانی که واشنگتن هنوز نپرداخته

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

ترامپ و نتانیاهو هنوز از گزینه بعدی برای تحت فشار قرار دادن ایران سخن می‌گویند. یک روز محاصره دریایی، روز دیگر محاصره زمینی و اگر آن هم عملی نشود، گزینه‌ای دیگر برای تصمیم‌سازی واشنگتن و تل‌آویو مطرح خواهد شد. گزارش‌های اخیر تلگراف و واشنگتن فری بیکن که از بررسی طرح محاصره زمینی ایران خبر می‌دهند، بیش از آنکه از امکان اجرای چنین طرحی پرده بردارند، یک واقعیت مهم‌تر را آشکار می‌کنند. اینکه هزینه محاسباتی ادامه تقابل با ایران هنوز آن قدر بالا نرفته که آمریکا را از جست‌وجوی راه‌های جدید فشار منصرف کند. در منطق بازدارندگی، مسئله صرفاً پاسخ دادن به اقدام دشمن نیست. مسئله آن است که دشمن اساساً به این نتیجه برسد هر اقدام جدید، هزینه‌ای غیرقابل تحمل برای او ایجاد خواهد کرد. تا زمانی که واشنگتن پس از هر مرحله از رویارویی، درباره مرحله بعد فکر کند، یعنی هنوز معادله هزینه و فایده به زیان آمریکا تغییر نکرده است و یا حداقل او را مجبور به اتمام آن نکرده است.

آنچه امروز در گزارش‌های رسانه‌های آمریکایی و انگلیسی دیده می‌شود، دقیقاً همین واقعیت است. از فشار بر همسایگان ایران برای بستن مرزها گرفته تا تشدید محاصره اقتصادی یا از سرگیری حملات نظامی، همه این گزینه‌ها همچنان روی میز قرار دارند، زیرا طراحان آنها اطمینان دارند که ابتکار عمل را از دست نداده‌اند.

یکی از خطاهای راهبردی در چنین شرایطی، بازی کردن در زمین طراحی شده توسط طرف مقابل است. اگر آمریکا زمان توقف درگیری را تعیین کند و ایران نیز دقیقاً متناسب با همان زمان، سطح واکنش خود را کاهش دهد، الگوی رفتاری تهران برای واشنگتن قابل پیش‌بینی خواهد شد. دشمنی که رفتار طرف مقابل را پیش‌بینی می‌کند، نه تنها غافلگیر نمی‌شود، بلکه برای طراحی گام بعدی نیز آزادی عمل بیشتری پیدا می‌کند.

بازدارندگی مؤثر، محصول واکنش‌های زمان‌بندی شده از سوی دشمن نیست بلکه نتیجه تحمیل ابهام، ابتکار و افزایش مستمر هزینه بر طرف مقابل است. آمریکا باید در هر مرحله با این پرسش روبه‌رو شود که آیا اقدام بعدی، امنیت پایگاه‌هایش، اقتصادش، متحدانش و منافعش را بیش از گذشته در معرض خطر قرار خواهد داد یا نه. اگر پاسخ این پرسش منفی باشد، طبیعی است که اتاق‌های فکر واشنگتن همچنان از محاصره زمینی تا فشار اقتصادی و گزینه‌های نظامی جدید را روی میز نگه دارند.

گزارش تلگراف حتی اذعان می‌کند که ترامپ پس از ناکامی راهبرد‌های پیشین، اکنون به دنبال مسیرهای تازه برای وادار کردن ایران به پذیرش خواسته‌های واشنگتن است. همین گزاره به تنهایی نشان می‌دهد مسئله اصلی پایان نیافته، بلکه صرفاً شکل فشار در حال تغییر است. از این منظر، معیار موفقیت آن نیست که آمریکا یک گزینه را کنار بگذارد. معیار آن است که اساساً دیگر جرئت اندیشیدن به گزینه بعدی را نداشته باشد. تنها زمانی که هزینه محاسباتی هر اقدام جدید از آستانه تحمل واشنگتن فراتر رود، چرخه آزمون گزینه‌های تازه متوقف خواهد شد.

یادداشت

آزادی حجاز مقدمه ظهور!



سید امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی، معاون شهید رئیسی در دولت سیزدهم در یادداشتی با واکنش به حملات مشترک آمریکا و عربستان به خاک عراق نوشت؛ حمله مشترک محور غربی-عربی به عراق، نه واکنشی به حملات پهلادی به عربستان است و نه اقدامی علیه گروه‌های مقاومت؛ این تجاوز، انتقامی آشکار از ملت بیدار عراق است که در آیین تشییع پیکر "پدر امت"، جهانیان را با شکوه فرهنگ مقاومت آشنا ساختند.

عراق امروز، سنگر ایستادگی ملی در برابر مستکبرین جهانی است. این مردم غیور عراق هستند که خود را برای میزبانی از حضرت ولی‌عصر (عج) آماده می‌سازند و احتمالاً، در آینده‌ای نزدیک، با همکاری برادران یمنی خود، نقش محوری در آزادی منطقه حجاز ایفا خواهند کرد.

یادداشت

بازدارندگی اتمی؛
معیار شکست تل آویوامیرشهبهانی
روزنامه نگار

اسرائیل پس از جنگ اخیر تلاش کرد با برجسته کردن موفقیت‌های اطلاعاتی، ترورها و حملات نظامی، به دروغ تصویری از پیروزی خود ارائه دهد. اما مرور ارزیابی‌های منتشرشده در داخل محافل امنیتی این رژیم، روایت دیگری را آشکار می‌کند. دنی سیتزینوویچ، رئیس اسبق حوزه ایران در سازمان اطلاعاتی ارتش اسرائیل (آمان) و کارشناس ارشد امور ایران در اندیشکده امنیت ملی اسرائیل، ناخواسته مهم‌ترین معیار پیروزی و شکست را بیان کرده است؛ از نگاه او، اگر ایران همچنان توان و اراده رسیدن به بازدارندگی اتمی را حفظ کرده باشد، اسرائیل به هدف اصلی خود نرسیده است. همین اعتراف، مهم‌ترین پیام راهبردی برای آینده نیز به شمار می‌رود.

سیتزینوویچ در تحلیل خود به شکافی اشاره می‌کند که سال‌ها در دستگاه امنیتی اسرائیل وجود داشته است؛ شکاف میان برتری اطلاعاتی و عملیاتی با ناتوانی در فهم منطق تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی. به اعتقاد او، اسرائیل می‌توانست محل حضور فرماندهان و دانشمندان ایرانی را شناسایی کند، اما در شناخت ساختار قدرت، انگیزه‌ها و محاسبات راهبردی ایران دچار خطا بود. نتیجه چنین خطایی آن شد که عملیات‌های تاکتیکی، هرچند پرهزینه و مؤثر، نتوانستند هدف اصلی جنگ را محقق کنند. این هدف نیز از نگاه خود اسرائیلی‌ها روشن است؛ جلوگیری از آنکه ایران به مرحله‌ای برسد که از بازدارندگی اتمی برخوردار شود. سیتزینوویچ تصریح می‌کند که ایران همچنان دانش، زیرساخت، فناوری و ظرفیت لازم برای حرکت به سمت تولید سلاح هسته‌ای را در اختیار دارد و تنها تصمیم سیاسی باقی مانده است. این یعنی از نگاه تل آویو حفظ توان ایران برای ایجاد بازدارندگی اتمی است.

همین اعتراف، معیار واقعی پیروزی و شکست را نیز مشخص می‌کند. اگر شکست اسرائیل در آن است که ایران بتواند به بازدارندگی اتمی دست یابد، آنگاه تثبیت پیروزی ایران نیز در تحقق همین بازدارندگی معنا پیدا می‌کند. تجربه چند دهه گذشته نشان داده است که تحریم، خرابکاری، ترور دانشمندان، حملات سایبری و حتی اقدام مستقیم نظامی، هیچ‌یک نتوانسته‌اند تهدید علیه ایران را پایان دهند. علت نیز روشن است؛ تا زمانی که دشمن احتمال موفقیت اقدام نظامی را بالا بداند، انگیزه برای تکرار آن باقی خواهد ماند. تنها عاملی که این محاسبه را به‌طور بنیادین تغییر می‌دهد، بازدارندگی است. تحلیل این کارشناس اسرائیلی تنها به مسئله هسته‌ای محدود نمی‌شود. او اذعان می‌کند که تغییر حکومت در ایران محقق نشد، توان موشکی جمهوری اسلامی همچنان پابرجاست، نقش ایران در تنگه هرمز حفظ شده و حتی بسیاری از کشورهای عربی خلیج فارس، برخلاف انتظار تل آویو، از اسرائیل فاصله گرفته‌اند. به بیان دیگر، اسرائیل با وجود برتری اطلاعاتی، فناوری و عملیاتی، نتوانسته واقعیت ژئوپلیتیکی و راهبردی ایران را مطابق اهداف خود تغییر دهد.

پایان
خویش‌شننداری

حمله به صنعا، پایگاه‌های حشد الشعبی و شهادت مستشاران ایرانی، همراه با واگذاری خاک و آسمان به آمریکا و اسرائیل در جنگ اخیر، ثابت کرد این رژیم همچنان سرسپرده است. اکنون ایران، یمن و مقاومت عراق آماده تأدیب خاندان سعودی هستند؛ زیرا ادامه این صلح دیگر هیچ دستاوردی برای منافع ملی ندارد و تنها به زیان کشور تمام می‌شود.

نگاهی به کنار گذاشتن نقاب صلح طلبی توسط عربستان و حملات به یمن و عراق

بازنگری به وقت ریاض

عربستان سعودی پس از ضربه سهمگین انصارالله یمن به تأسیسات آرامکو در سال ۲۰۱۹ که صادرات نفت این کشور را ماه‌ها به نصف رساند، ظاهراً جاه‌طلبی‌های صدام‌گونه خود را کنار گذاشت و برای صلح با ایران دست به دامان میانجی‌ها شد. اما تجربه چند سال اخیر ثابت کرد این رژیم ساخته



محسن فرهنگند

روزنامه نگار

نظامی رسمی عراق که به شهادت تعدادی از رزمندگان این نیرو و همچنین مستشاران نظامی ایرانی انجامید، و چندی پیش تر حمله به فرودگاه صنعا نقطه عطفی در افشای ماهیت واقعی این رژیم بود. این حملات نشانه‌ای روشن از تداوم خط خصومت است که بن سلمان پس از ۲۰۱۹ موقتاً پنهان کرده بود. با این جنایت، صلح با عربستان دیگر هیچ دستاورد و منفعتی برای ایران ندارد. هدف قراردادن پایگاه‌های رسمی یک نیروی نظامی دولتی و ریختن خون مستشاران خیانت آشکار به توافق و به منافع مشترک است.

تهران بارها خویش‌شننداری کرد تا فضای گفت‌وگو حفظ شود و منطقه از تنش بیشتر در امان بماند. اما اکنون پایبندی و ادامه این معادله نابرابر نه تنها امنیت و اعتبار بازدارندگی ایران را تأمین نمی‌کند، بلکه به دشمنان اجازه می‌دهد با خیال راحت‌تر به اقدامات خصمانه خود ادامه دهند.

در جریان جنگ چهل‌روزه اخیر و سپس موج سوم نبرد و جنگ در آواخر تیر، عربستان سعودی از هیچ اقدامی برای

رژیم سعودی به خصوص در دوران بن سلمان، مانند بسیاری دیگر از حاکمان جاه طلب عرب همچون صدام در دوران معاصرو در زیر چتر حمایتی غرب، بخت خود را برای ضربه به ایران آزمایش کرد و در سال‌هایی که فلسطین زیر سایه شدیدترین جنایات اسرائیل قرار داشت به جای عمل به رسالت اسلامی خود راه تقابل با ایران را برگزید. سعودی پس از ضربه سنگین ۲۰۱۹ به آرامکو ناچار شد ژست صلح طلبی بگیرد، در ظاهر از سیاست‌های ماجراجویانه فاصله گرفت و با میانجی‌گری چین و دیگران، توافقی را با تهران امضا کرد. اما تجربه سال‌های اخیر به روشنی نشان داد که خاندان سعودی هرگز از ذات سرسپرده خود فاصله نگرفته است. این رژیم همچنان میان انتخاب برادری اسلامی و خدمت‌گذاری به یهودیان و غربی‌ها، مسیر دوم را برمی‌گزیند.

اقدام اخیر عربستان در حمله به پادگان‌های حشد الشعبی به عنوان نیروی

سیاست خارجی

خسارت مرگ بار آمریکا در اردن

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز پنج شنبه در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: در پاسخ به جنایت دشمن آمریکایی در جزیره قشم، رزمندگان نیروی هوافضای سپاه با حمله به رمپ استقرار و سوله تعمیراتی جنگنده‌های اف ۳۵ دشمن آمریکایی در پایگاه هوایی الازرق با چندین فروند موشک بالستیک، سه فروند هواپیمای اف ۳۵ را به کلی تخریب و به سه فروند دیگر خسارت سنگینی وارد کردند.

در اطلاعیه شماره ۵۵ سپاه پاسداران اعلام کرد: در این حمله همچنین چند افسر و کادر فنی و تعمیراتی دشمن نیز به هلاکت رسیدند.

این حمله در شرایطی بود که دشمن آمریکایی با حمله هوایی به دو خانه مسکونی با بمب‌های سنگر شکن، دو خانه ساده مردم محلی در جزیره قشم را هدف قرار داد. در این حمله قیصر جعفری، همسرش زهرا جعفری و فرزند دو ساله‌شان، سینا، جان خود را از دست داده و به شهادت رسیدند و دو کودک دیگر مجروح شدند.

سپاه پاسداران تأکید کرد: منطقه ما جای ارتش کودک‌کش که اینگونه با قساوت خانواده‌های بی‌گناه را نیمه شب در خواب به خاک و خون می‌کشد، نیست. مبارزه ما و شما تا اخراج آخرین اشغالگر آمریکایی از سرزمین‌های اسلامی ادامه خواهد یافت.



پایان عصر میانمایه‌ها

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

انتشار ویدئویی از مراسم ختم اکبر عبدی که در آن عادل فردوسی‌پور در کنار عباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، با چهره‌ای خندان و سرخوش نشسته و در لحظه‌ای عاطفی، بوسه‌ای نیز بر دست وزیر می‌زند، یکباره به رسوایی نه‌تنها شخص فردوسی‌پور، بلکه به رسوایی یک جریان رسانه‌ای مبتنی بر شارلاتانیسم انجامید. این ویدئو تصویری ساخت که با روایتی که طی سال‌های اخیر از امثال عادل فردوسی‌پور ساخته شده بود، فاصله‌ای آشکار داشت. همین تضاد، نخست در ذوق طرفداران فردوسی‌پور زد و باعث شد بخش قابل توجهی از آنها در گام اول به ماست مالی ماجرایی بیاورند و مدعی شوند عباس صالحی زمانی استاد فردوسی‌پور بوده و این رفتار نیز صرفاً از سرحا احترام به استاد صورت گرفته است. اما چند ساعت بعد، وقتی مشخص شد این توجیه خریدار چندانی ندارد، همان حامیان، زبان به انتقاد از فردوسی‌پور گشودند و او را حکومتی خواندند.

ماجرای آن جهت برای حامیان این مجری گران تمام شد که فردوسی‌پور پس از فیلتر شدن سایت برنامه فوتبال ۲۶۰ به علت دعوت از برخی عناصر معاند، تلاش کرده بود چنین القا کند که صرفاً به دلیل نداشتن روحیه به قربان‌گویی با محدودیت مواجه شده است. انتشار این تصاویر اما این روایت را با پرسش‌های جدی روبه‌رو کرد و تشنه این قهرمان‌سازی رسانه‌ای را از بام انداخت. فردوسی‌پور پیش از این نیز روابط صمیمانه‌ای با چهره‌های سیاسی همچون جواد ظریف، حسن روحانی، مصطفی پورمحمدی و دیگران داشت، اما ظاهراً روی حافظه کوتاه‌مدت مخاطبان خود حساب ویژه‌ای باز کرده بود.

واقعیت آن است که عادل فردوسی‌پور سال‌ها در رسانه رسمی کشور فعالیت کرد، از امکانات و فرصت‌هایی بهره برد که در اختیار هر کسی قرار نمی‌گرفت و در تمام این سال‌ها نیز به یکی از مشهورترین چهره‌های رسانه‌ای ایران تبدیل شد. با این حال، در سال‌های اخیر کوشید تصویری از خود ارائه دهد که گویی هیچ نسبتی با ساختارهای رسمی و شبکه‌های قدرت و سرمایه ندارد؛ تصویری که این ویدئو، دست‌کم در افکار عمومی، به یکباره فرو ریخت.

مسئله اصلی البته شخص عادل فردوسی‌پور نیست، بلکه پدیده قهرمان‌سازی از چهره‌های قلابی رسانه‌ای است. تجربه نشان داده برخی سلبریتی‌ها و مجریان، با تکیه بر سرمایه اجتماعی مردم، خود را در قامت قهرمانان مستقل و معترض معرفی می‌کنند، اما هرگاه منافعشان اقتضا کند، همان مرزبندی‌های ساختگی به‌سادگی فرومی‌پاشند. هزینه این نمایش‌ها را نیز مردم می‌پردازند؛ مردمی که بارها به چنین روایت‌هایی دل بسته‌اند و بعدها دریافته‌اند آنچه به آنها فروخته شده، نه تصویری مبتنی بر حقیقت، بلکه برندی رسانه‌ای برای کسب اعتبار، نفوذ و منفعت بوده است.

همزمان با اعدام جنایتکاران، بازهم صدای سلبریتی‌ها علیه منافع ملی بلند شده است.

نه به اعدام همان بلند کردن پرچم سفید است

هماهنگ با شعار «نه به اعدام»، در زمین دشمن بازی می‌کنند و در صدد سفیدشویی آدم‌سوزی با نقاب بشردوستانی هستند. پرسش اصلی اینجاست که در هنگامه تهدید خارجی، تلاش برای ناامنی و دست گذاشتن روی زخم‌های باز ملی، چه سودی برای سلبریتی‌ها دارد و آنها کجای پازل دشمن بازی می‌کنند؟



مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

بعد از اینکه دو نفر از عوامل جنایت میدان شهید علیخانی اصفهان به دار آویخته شدند، سلبریتی‌ها با استوری «نه به اعدام» فضای مجازی را پر کردند تا در یک ماموریت کاملاً تروریستی اجازه مخالفت با خود را از عقلای جمع سلب کنند. اگر خیال کنیم که این رویکرد در راستای خیرخواهی صورت می‌گیرد یا فرد خوش‌خیالی هستیم یا تمایل داریم در جهالت خویش دست و پا بزنیم و شهره‌ها را به مثابه تمثال آزادی در نظر بگیریم، درحالی‌که این جماعت به دلیل نشستن سر سفره‌ای که چندان با ظرفیت ذهنی‌شان سازگار نیست متوهمانه گمان می‌کنند که مرکز جهانند و هیچ مرجع و نهادی نباید آزادی بیان را اایشان سلب کند. از سوی دیگر بعضی از گروه‌های درگیر قدرت هم به منظور پیروزی در انتخابات‌های مختلف و اثرگذاری بر دستگاه ادراک حاکمیت هیچ بدشان نمی‌آید که از قدرت نفوذ سلبریتی‌ها در میان مردم بهره بگیرند تا مطامع سیاسی خویش را جلو ببرند، وگرنه در هیچ کجای دنیا، وقتی موجودیت یک کشور به واسطه فعالیت‌های داخلی و خارجی تهدید می‌شود، برای برقراری دوباره امنیت هیچ فرد و دسته‌ای سازناک نمی‌زند.

در فقره استوری‌های مشکوک اخیر که علناً دشمنی‌شان را با احکام الهی و منصوص نظیر «بغی»، «محاربه» و «قصاص» نشان می‌دادند و حتی علیه «ادان صبح» لجن‌پراکنی می‌کردند یک موضوع و مسئله زمینی هم بسیار آزاردهنده بود.

ما سال ۱۴۰۴ را با دو جنگ ۱۲ و ۴۰ روزه پشت سر گذاشتیم که نتیجه آن شهادت رهبر انقلاب، جمعی از فرماندهان و مسئولین، مردم عادی

داشته باشد. رسمیت بخشی به سلبریتی در نهایت به ضد کارکرد خود بدل می‌شود و آن‌ها در نزاع‌های سیاسی، خود واقعی‌شان را نشان می‌دهند. در غرب، به‌ویژه در آمریکا اما چنین نیست. اکران خصوصی در هالیوود کاملاً مصادیق و مبنای مشخصی دارد که یکی از آن‌ها سنجش واکنش واقعی مخاطب و ارزیابی این موضوع است که آیا بخش‌های مختلف فیلم (مانند داستان، ریتم، شخصیت‌پردازی یا پایان‌بندی) به درستی عمل می‌کنند یا خیر. یکی دیگر از اهداف اکران خصوصی اثبات ارزش تجاری و هنری پروژه برای دریافت بودجه تکمیلی، فروش حقوق پخش داخلی یا بین‌المللی و یا دریافت چراغ سبز نهایی برای اکران گسترده است. آخرین هدف نیز ایجاد سروصدا برای تحت تأثیر قرار دادن رأی‌دهندگان به‌منظور تضمین نامزدی یا پیروزی در جوایز بوده که سینمای ایران هیچ بهره‌ای از آن نبرده است.



هفته گذشته با اکران مردمی فیلم «ماه پنهان» به پایان رسید. نمایش مردمی همان اسم بزرگ‌شده اکران خصوصی است ولی هدف همان عرضه کردن و رسمیت بخشیدن به سلبریتی‌هاست، به‌طوری‌که هیچ مرجعی نتواند در برابر آن‌ها قد علم کند و حرف و نگاهش مشتری

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیر مسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ سپهبد قرنی خ شاداد پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline
nobonyadonline.ir

۴ فرهنگ

C U L T U R A L

■ شنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۰۲

گزارش کوتاه

امام شهید برای جمهوری اسلامی ایران تولید قدرت کرد

روز گذشته سپهر خلجی رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت سیزدهم، استاد دانشگاه و کارشناس مسائل سیاسی کشور طی گفتگویی در شبکه خبر ضمن تبیین آثار و خطرات ناشی از خطای محاسباتی مسئولان در صحنه سیاسی کشور و همچنین نقش خطاهای محاسباتی دشمن در مواجهه با جمهوری اسلامی، در خصوص مذاکرات اظهار داشت: در همین قضایای مذاکرات برخی معتقد بودند نتایج با ترامپ فرق می‌کند و با بین‌ونس و ترامپ با بین‌ونس و رویو تفاوت وجود دارد و ایران باید از شکاف بین مسئولان آمریکایی و صهیونیستی استفاده کند اما واقعیت نشان داد که این ناشی از خطای محاسباتی برخی مسئولان بود و عملاً اختلافی بین جنایتکاران آمریکایی و صهیونیستی در مواجهه با جمهوری اسلامی وجود ندارد. وی همچنین به شریح نقش رهبر شهید در تولید قدرت برای ایران و ابعاد مدیریت ایشان در هدایت و رشد مردم مبعوث برای حفاظت از انقلاب اسلامی پرداخت و تصریح داشت: امام شهید، بر مبنای هدایت‌های کلان و جزئی که در موضوعات مختلف داشتند، آینده را می‌دیدند که در چه مسیری حرکت خواهد کرد و دقیقاً همین طور شد.

وی افزود: در بسیاری از کشورها با فقدان برخی مدیران یا رهبران، کشورشان دچار خلا قدرت و نتیجتاً دچار فروپاشی می‌شوند. اما جمهوری اسلامی جزو استثنائاتی بود که در عین مقابله با دشمن در بالاترین سطح و همچنین از دست دادن بسیاری از مقامات ارشد، دولت دچار عدم ثبات نشده و امورات کشور به صورت عادی در جریان است. خلجی در بخشی دیگر از سخنانش تصریح داشت که رهبر شهید انقلاب اسلامی با خوشنشان برای جمهوری اسلامی تولید قدرت کردند.